

کارکرد کنش‌های گفتاری در تمثیلی از مثنوی معنوی

حمید کمالی مقدم^۱

جلیل مشیدی^۲

حسن حیدری^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۱۹

چکیده

نظریه کنش‌های گفتاری به رابطه میان الفاظ و معانی مورد نظر گوینده می‌پردازد. بنیانی‌ترین دیدگاه این نظریه آن است که سخن گفتن از آن جهت که تولید لفظ است عامل ارتباط نیست؛ بلکه ارتباط زبانی کامل در صورتی محقق می‌شود که کنش یا عمل مضمون در سخن، طبق شرایط خاصی به وقوع بپیوندد. این مقاله با به کارگیری اصول و مبانی نظریه مذکور به بازخوانی قصه آن آنگیر و صیادان و آن سه ماهی در دفتر چهارم مثنوی معنوی پرداخته و کاربرد کنش‌های گفتاری سه ماهی (به عنوان نماد گروه‌های سه گانه انسان‌ها) و نسبت آن‌ها با میزان بهره‌گیری از موازین عقلی را واکاوی کرده و کنش ترغیبی را پرتکرارترین کنش عقل‌مداران یافته‌است. در این پژوهش با توجه به بافت موقعیتی قصه، علاوه بر تحلیل نوع کنش‌های گفتاری مضمون در سخنان شخصیت‌ها به عنوان پاره‌گفتارهای خُرد، روند کنش‌های مولانا نیز در قالب پاره‌گفتارهای کلان مورد بررسی قرار گرفت و ارتباط چیدمان اجزاء مختلف قصه اعم از افراد و اقوال با شکل‌گیری کنش‌های گفتاری کلان و معانی مورد نظر مولانا که عبارتند از دو کنش غیرمستقیم اظهاری و ترغیبی مشخص گردید.

کلیدواژه: کنش‌های گفتاری، عقل، پاره‌گفتارهای خُرد و کلان، مثنوی معنوی، تمثیل

^۱ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی دانشگاه اراک، اراک، ایران.
hkamalimoqadam@gmail.com

^۲ استاد زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی دانشگاه اراک، اراک، ایران (نویسنده مسئول).
j-moshayedi@araku.ac.ir

^۳ استاد زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی دانشگاه اراک، اراک، ایران.
h-haidary@araku.ac.ir

۱. مقدمه

از آنجا که متون ادبی به ویژه کتاب مثنوی معنوی حاوی نکات تربیتی و اخلاقی است، می‌طلبد که بعد از گذشت هشت قرن همچنان مورد توجه قرار گیرد تا ظرافت‌های تعلیمی آن مورد استفاده خوانندگان امروز هم باشد. از سوی دیگر هر یک از نظریه‌های مختلفی که در مورد زبان و نحوه کاربرد آن توسط فیلسوفان و زبان‌شناسان مطرح می‌شود باب جدیدی به سوی فهم بهتر متون می‌گشاید. یکی از این گونه نظریات که در حوزه فلسفه زبان^۱ و با رویکرد زبان‌شناسی کاربردی^۲ ارائه گردیده به «کنش‌های گفتاری»^۳ شهرت دارد. کنش گفتاری، در اصل یک عمل است که با بیان یک گفته تحقق می‌یابد (Yule, 1996, p.47). از دیدگاه این نظریه، واحد ارتباط زبانی^۴، تلفظ واژگان و جملات نیست؛ بلکه تلفظ این واحدهای زبانی فقط بخشی از ارتباط است و صورت کامل آن در «پاره گفتار»^۵ محقق می‌شود. پاره گفتار می‌تواند اندازه یک واژه، یک جمله و حتی یک کتاب باشد (Botha, 1991, p.295)؛ چرا که به هر حال یکی از اهداف ترغیب، اخبار، اعلام و غیره را در عمل دارد و شامل سه نوع کار یا سه گونه فعل می‌باشد که به صورت هم‌زمان توسط گوینده انجام می‌شود؛ این سه گونه عمل عبارتند از: فعل تلفظ^۶، فعل قضیه^۷ و فعل مضمون در سخن^۸. مثلاً وقتی به کسی بگوییم: پنجره را ببند، اولاً جمله‌ای را که شامل چند واژه معنادار است «تلفظ» کرده‌ایم؛ ثانیاً با تلفظ این جمله، «قضیه»‌ای را راجع به پنجره مطرح کرده‌ایم و ثالثاً عملی را انجام داده‌ایم که در تلفظ و قضیه جمله مذکور آشکار نیست؛ بلکه به طور ضمنی و غیرصریح انجام شده‌است. نظریه کنش‌ها به جای توجه صرف به معنی واژه و عبارت، در جهت رسیدن به کنش ضمنی پاره‌گفتارها تلاش می‌کند. مسئله اصلی این مقاله، یافتن چگونگی کارکرد کنش‌های گفتاری در یکی از معروف‌ترین تمثیلات مثنوی معنوی؛ یعنی «قصه آن آبگیر و صیادان و آن سه ماهی» است.

این تحقیق با توجه به اصول و مبانی نظریه کنش‌های گفتاری، یافتن پاسخ سؤالات زیر را مد نظر داشته‌است:

- 1 - philosophy of language
- 2 - applied linguistics
- 3 - speech acts
- 4 - linguistic communication
- 5 - utterance
- 6 - utterance act
- 7 - proposition act
- 8 - illocutionary act

سؤال اول - میزان به کارگیری و نوع هر یک از کنش‌های گفتاری پنج گانه سرل توسط مولانا و سه ماهی (به عنوان

نماد طبقات سه گانه انسان‌ها) در این تمثیل به چه نسبتی است؟

سؤال دوم - چه رابطه‌ای بین پاره گفتارهای خُرد و کلان در این تمثیل وجود دارد؟

با توجه به تعاریف و اصطلاحات نظریه کنش‌های گفتاری، فرضیه‌های زیر در رابطه با پرسش‌های فوق قابل بررسی

است:

فرض اول؛ نوع کنش‌های گفتاری هر یک از شخصیت‌های این داستان برای این که بتوانند نماینده طبقه خود باشند

به طور معناداری با هم تفاوت دارد.

فرض دوم؛ نحوه چینش پاره گفتارها و کنش‌های خُرد باید کنش‌های گفتاری کلان را که توسط خالق اثر به عنوان

کشگر حقیقی تولید شده است نشان دهد.

۲. چارچوب نظری تحقیق

۱.۲. کنش‌های گفتاری

نظریه کنش‌های گفتاری از یک سو به فلسفه تحلیلی^۱ مربوط می‌شود که به بررسی نحوه عملکرد زبان به عنوان اصلی‌ترین

ویژگی انسان در تعامل با جهان می‌پردازد و از سوی دیگر به زبان‌شناسی کاربردی^۲ می‌رسد که زبان را در بافت و موقعیت

به کارگیری آن مورد مطالعه قرار می‌دهد.

جان لنگشاو آستین^۳، فیلسوف برجسته آکسفورد، نخستین کسی بود که در سال‌های ۱۹۳۹ تا ۱۹۵۹ در سخنرانی‌های

پی‌درپی، اندیشه‌های اولیه خود را در مورد نظریه کنش‌های گفتاری مطرح کرد (Makaryk, 2020, p. 236). آن‌چه

در سخنان آستین جلب توجه کرد این بود که او برخلاف فیلسوفان قبل از خود، سخن گفتن را صرفاً وسیله‌ای برای ایجاد

¹ - analytic philosophy

² - applied linguistics

³ - John Langshaw Austin

ارتباط و اخبار نمی‌دانست و معتقد بود که ما گاهی اوقات از آن برای انجام دادن کار استفاده می‌کنیم. او بر این مبنا گفته‌ها را به دو نوع تقسیم می‌کرد:

نوع اول، گفته‌های قطعی^۱ که فقط برای اخبار یا توصیف به کار می‌روند و می‌توانند راست یا دروغ باشند؛ مثلاً جمله: او نفر اول مسابقه دوچرخه‌سواری شد، فقط خبری را داده که محتمل صدق و کذب است.

نوع دوم، گفته‌های کنشی^۲ که کاری را انجام می‌دهند و در مورد آن‌ها نمی‌توان راست یا دروغ بودن را مطرح کرد، بلکه فقط می‌توانند بجا یا نابجا باشند؛ مانند جمله من شما را به جشن فردا دعوت می‌کنم، که گوینده با گفتن آن، «عمل دعوت کردن» را انجام داده‌است و ملاک بجا یا نابجا بودن آن، در مهیا بودن شرایط مناسب دعوت کننده، مدعو و جشن می‌باشد (Kaler, 2021, p.127).

از دیدگاه آستین در هنگام سخن گفتن، همزمان سه نوع کار انجام می‌شود که عبارتند از:

۱- کنش بیانی^۳، که همان تلفظ جمله معنادار توسط گوینده است.

۲- کنش غیربیانی^۴، که همان قصدی است که گوینده از اظهار سخن خود دارد.

۳- کنش تأثیری^۵، که توسط مخاطب و بعد از شنیدن یا خواندن سخن گوینده انجام می‌شود (Austin, 1962, pp. 94-97).

رویکرد نظریه کنش‌های گفتاری در زبان‌شناسی کاربردی، بررسی فعل مضمون در گفتار است.

آستین با مرگش از ادامه تحقیقات بازماند و شاگرد او، جان راجرز سرل^۶، کار استاد را توسعه داد و نظریه کنش‌های

گفتاری را به شکل مدون عرضه کرد. سرل برخلاف استادش که برخی از گفته‌ها را کنشی می‌دانست، معتقد بود که همه

گفته‌های ما به شرط داشتن قصد گوینده، کنشی هستند و کاری را انجام می‌دهند (Brinton, 2000, p.302). او تمام

کارهایی را که با سخن گفتن انجام می‌شوند در پنج کنش به شرح زیر طبقه‌بندی کرد:

1- definitives statments

2- action statments

3- representative act

4 - illocutionary act

5- perlocutionary act

6- John Ragers Searle

۱- کنش اظهاری^۱: که توصیف حالت یا حادثه‌ای است و شامل مواردی مانند: تأیید کردن، دلیل آوردن، اثبات کردن، معرفی کردن، توصیف کردن، تفسیر کردن، شرح دادن، اعطا کردن، نفی کردن، اعتراض کردن، نقد کردن، محدود کردن، ابراز کردن می‌شود.

۲- کنش ترغیبی^۲: که مخاطب را به انجام دادن / ندادن کاری ترغیب می‌کند؛ مانند: خواستن، توانستن، دستور دادن، دعوت کردن، نصیحت کردن، توصیه کردن، مؤاخذه کردن.

۳- کنش تعهدی^۳: که گوینده، خود را متعهد به انجام کاری در آینده می‌کند؛ مانند: قول دادن، قسم خوردن، داوطلب شدن.

۴- کنش عاطفی^۴: که گوینده با آن، یکی از حالات عاطفی و احساسات روحی خود را بروز می‌دهد؛ مانند: تشکر کردن، تمجید کردن، پیش‌بینی کردن، دشنام دادن، تأسف خوردن، ناامید شدن.

۵- کنش اعلامی^۵: که گوینده با آن می‌تواند در امور و موضوعات مختلف، تغییرات واقعی ایجاد کند. این کنش، مستلزم داشتن قدرت و صلاحیت ایجاد تغییر می‌باشد؛ مانند: انتصاب کردن، نام‌گذاری کردن، عقد قرارداد کردن، به کار گماردن، پایان دادن، آغاز کردن (Searle, 1969, p.33). لازم به ذکر است که معیار انتساب درست هر یک از افعال فوق به کنش‌های پنج‌گانه توجه به بافت و موقعیت کاربرد آن‌ها می‌باشد.

۲.۲. کنش‌های مستقیم و غیرمستقیم

تقسیم‌بندی دیگری که سرل از کنش‌های گفتاری ارائه کرده، کنش‌های مستقیم^۶ و کنش‌های غیرمستقیم^۷ است. کنش مستقیم در صورتی پیش می‌آید که بار منظوری کنش یا همان «قصد گوینده»^۸ با وجه دستوری جمله مطابقت داشته باشد؛ مثلاً با گفتن جمله‌ای که وجه پرسشی دارد در پی گرفتن جواب باشیم و با جمله خبری، مخاطب را نسبت به چیزی که نمی‌دانسته مطلع کنیم و با جمله امری انجام دادن یا ندادن کاری را از کسی بخواهیم. کنش غیرمستقیم وقتی است که

1- representative act

2- directive act

3- commissive act

4- expressive act

5- declarative act

6- direct acts

7- Indirect acts

8- intention

مطابقت مذکور وجود نداشته باشد؛ مانند بیت زیر که در آن، گوینده با سه جمله خبری، در واقع از مخاطب می خواهد که دیگر حسرت گذشته را نخورد:

بر گذشته حسرت آوردن خطاست باز نایید رفته یاد آن هباست

«۲۲۴۴»

۳.۲. پاره گفتار

منظور از اصطلاح «پاره گفتار»^۱ در این نظریه، با وجود تعاریف و تقسیمات مختلفی که در مورد آن صورت گرفته (Lyons, 2013, p.338)، بخشی از سخن است که حاوی حداقل یک کنش غیر بیانی باشد و با توجه به این که گوینده در قالب یک واژه، یک جمله و حتی یک کتاب، می تواند کنشی را داشته باشد (Botha, 1991, p.295)، دو نوع پاره گفتار خواهیم داشت:

۱- پاره گفتار خرد^۲

۲- پاره گفتار کلان^۳

کاری که نظریه کنش های گفتاری انجام می دهد مطالعه توان غیر بیانی^۴ پاره گفتارهاست؛ یعنی آنچه را که گوینده در بیان خود نیآورده است. این نظریه «به جای پرداختن به جمله ها یا واحدهای نحوی به پاره گفتار می پردازد» (Crystal, 2003, p.344). یکی از تفاوت های نظریه کنش های گفتاری با علم معانی در محدوده تحلیل کلام است.

۴.۲. بافت

سخن گفتن در بستر و شرایطی تولید می شود که با آن در تعامل است. به مجموعه این شرایط «بافت»^۵ می گویند. بافت دو نوع است:

1- utterance
2 - micro utterance
3 - macro utterance
4 - non-expressive power
5- context

۱- بافت درون‌زبانی؛ محیطی است که در اثر همنشینی واژگان و ارتباطشان با یکدیگر در درون جمله‌ها ساخته می‌شود و به خواننده در دریافت معنی کمک می‌کند.

۲- بافت برون‌زبانی (بافت موقعیت)^۱؛ شرایطی از قبیل ویژگی‌های گوینده، شنونده، پیام، موضوع، شرایط مکانی و زمانی و هرآنچه را که در ایجاد و تغییر و دریافت و تأویل معنای پاره‌گفتارها تأثیر داشته‌باشد، شامل می‌شود (Safavi, 2004, p.60). ارجاعات متن به عناصر بافت موقعیت در شکل‌گیری معنای یک اثر دخیل است؛ لذا بافت درون‌زبانی با بافت موقعیت رابطه‌ای تنگاتنگ دارد (Sojoodi, 2016, pp.53-68). نظریه کنش‌های گفتاری برای رسیدن به اغراض اصلی کنشگران، به بافت موقعیت بسیار توجه دارد.

۵.۲. تمثیل

تمثیل، شیوه‌ای از انتقال پیام است که به منظور تبیین مفاهیم متنوع کلامی، دینی، اخلاقی، فلسفی و غیره مورد استفاده قرار می‌گیرد (Purnamdarian, 1990, p.113). سابقه تمثیل را حتی در یونان باستان و کتب آسمانی نیز می‌توان یافت. تمثیل از لحاظ صورت و محتوا اقسام مختلفی دارد. عام‌ترین صورت آن که در آثار ادبی و از جمله ادبیات فارسی بسیار دیده می‌شود، «تمثیل داستانی»^۲ است (Shafiee Kadkani, 2018, p.85). شخصیت‌های داستان‌های تمثیلی می‌توانند انسان‌ها، حیوانات، ترکیبی از این دو و حتی مفاهیم ساختگی و انتزاعی باشند. مهم‌ترین ویژگی تمثیل، دولایه بودن آن است و از این جهت با مبحث کاربرد غیرمستقیم معانی ضمنی در نظریه کنش‌های گفتاری شباهت بسیار دارد.

۳. پیشینه تحقیق

در دهه اخیر، پژوهشگران از نظریه کنش‌های گفتاری در تحلیل متون مختلف دینی، ادبی، سیاسی و اجتماعی استفاده کرده‌اند، از جمله موارد ذیل:

صفری دهکردی (Safari Dehkordi, 2014) در پی یافتن مفاهیمی در نظریه کنش‌های گفتاری است تا با آن

به فهم لایه‌های زبانی و غیرزبانی پوشیده اشعار یدالله رؤیایی و تحلیل رویکرد اجتماعی آن‌ها بپردازد. وی توسل به نظریه

¹ - context of situation

² - allegory

تضمّن معنایی گرایش را در این رابطه مفید ارزیابی می‌کند. عزیزاده شبخوسلاتی (Alizade Shabkhuslati, 2014) قصاید خاقانی را به تفکیک موضوعات (مدح، مرثیه، حبسیه، هجو و ...) با بررسی بافت موقعیتی هریک و شاخص‌های زمانی، مکانی و اجتماعی آن‌ها تحلیل می‌کند و معتقد است که خاقانی بیشتر در پی به اشتراک گذاشتن عواطف و احساسات خود با مخاطب بوده و در ساخت جملات خبری او کنش اعلامی کارکرد بیشتری دارد. نجاریان (Najjarian, 2016) کنش‌های پنجگانه را در سخنان شخصیت‌های (اصلی و فرعی پیرو و قهرمان و ضد قهرمان و شخصیت خنثا) پنج داستان از عموزاده خلیلی و یعقوب الشارونی مورد بررسی قرار داده و ضمن ارائه جدول آماری، موفقیت عموزاده را نسبت به الشارونی در به کار بردن معنای ثانوی ترغیبی، نشان می‌دهد و معتقد است بیان گزاره‌های مستقیمی که در قالب امر از زبان بزرگسالان خطاب به نوجوانان بیان شده نشانگر وضعیت تعلیمی زنده در حوزه ادبیات کودک و نوجوان است. عدالت‌یار (Edalatyar, 2020) به بررسی تطابق‌های میان اغراض ثانوی خبر، استفهام، امر و ندا در غزلیات سعدی با نظریه کنش‌های گفتاری پرداخته است. نویسنده، بلاغت زبان در غزلیات سعدی را شکل گرفته بر مبنای چارچوب ارتباط-ترغیب می‌داند. علاوه بر موارد فوق، دو پژوهش که ارتباط بیشتری با موضوع این مقاله دارند عبارتند از: بختیاری (Bakhtiari, 2012) که داستان‌های دو دفتر مثنوی را به چند قاب تقسیم می‌کند و کنش‌های گفتاری خاصی را که هر قاب با آن شروع شده، تداوم یافته و پایان می‌پذیرد مشخص می‌کند و در خاتمه نتیجه می‌گیرد که در اغلب حکایت‌ها بسامد قاب گزاره‌ای و درون‌روایتی، بیشتر از قاب داستانی و برون‌روایتی است. مورد دیگر، مقاله فرجی و دیگران (Faraji et al., 2023) است که در آن ۹ دعا و مناجات از میان شش دفتر مثنوی برگزیده و در هر یک از آن‌ها کنش گر، کنش‌پذیر، کارکرد کنش، موجب کنش و خواسته کنش را تفکیک کرده و در پایان نتیجه گرفته که کنش ترغیبی بیشترین بسامد را داشته و کنش اعلامی اصلاً به کار نرفته است.

۴. روش تحقیق

این پژوهش به شیوه توصیفی-تحلیلی و مطالعه کتابخانه‌ای یکی از تمثیلات کتاب مثنوی معنوی را مورد بررسی قرار داده است. بدین صورت که ابتدا جمله‌های موجود در ابیات قصه از نظر کنشگر به سه گروه سخنان ماهی عاقل، ماهی نیم‌عاقل

و ماهی جاهل تفکیک شد؛ سپس با توجه به بافت موقعیتی - که در ابیات قبل تر توسط مولانا شکل گرفته - معانی مد نظر گویندگان پاره گفتارها مشخص شد؛ آن گاه رابطه معانی ظاهری جملات با معانی ضمنی آن‌ها که کنش‌های مستقیم و غیرمستقیم را تعیین می کند مورد توجه قرار گرفت و توصیفی از نحوه و ساختار عملکرد ماهیان به عنوان نماد طبقات سه گانه انسان‌ها ارائه شد و نهایتاً ساختار کنش‌های کلان مولانا مشخص گردید.

۵. بحث و بررسی

۱.۵. بافت موقعیت^۱

یکی از ارکان اصلی نظریه کنش‌های گفتاری، توجه به بافت و زمینه‌ای است که ارتباط کلامی^۲ در آن شکل می گیرد. این بافت که شامل مواردی مثل زمان، مکان، سن، جنس، موقعیت‌های اجتماعی و غیره است، در دریافت معنای دقیق یک جمله تأثیر زیادی دارد. در تمثیلات مثنوی آن چه بیش از همه به دریافت کنش اصلی گوینده کمک می کند مطالب گذشته^۳ است. متن، یکی از واحدهای سازنده بافتی است که در آن تولید می شود و بافت، تحت تأثیر متنی که در آن تولید شده تغییر می کند (Lyons, 2013, p.371). نتیجه این تأثیر متقابل، شکل‌گیری سبک داستان در داستان است که در کتاب مثنوی مشاهده می شود.

۲.۵. قصه آن آبگیر و صیادان و آن سه ماهی

مولانا در دفتر چهارم مثنوی «قصه آن آبگیر و صیادان و آن سه ماهی» را نقل می کند. در ابیات قبل از این قصه، (بافت کلامی) انسان‌ها را به سه گروه تقسیم می کند که بر اساس آن، عده‌ای عاقل اند که به کمک همان عقل، راه سعادت می یابند و به مقصد می رسند. گروهی دیگر نیم‌عقلی دارند و به اشاره همان عقل ناقص می فهمند که باید از کسی که عقل کامل دارد پیروی کنند تا به رستگاری برسند. و سومین گروه که نه عاقل اند و نه نیم‌عاقل، راه را نمی شناسند و از راهنمایی عاقل هم بهره نمی گیرند و سرانجامی جز هلاکت ندارند. مولانا در همین معنا می فرماید:

¹- context of situation

²- linguistic communication

³- previous discourse

عاقل آن باشد که او با مشعله است	او دلیل و پیشوای قافله است
پیرو نور خود است آن پیشرو	تابع خویش است آن بی خویش‌رو
دیگری که نیم‌عاقل آمد او	عاقلی را دیده خود داند او
دست در وی زد چو کور اندر دلیل	تا بدو بینا شد و چست و جلیل
و آن خری کز عقل جوسنگی نداشت	خود نبودش عقل و عاقل را گذاشت
ره نداند نه کثیر و نه قلیل	ننگش آید آمدن خلف دلیل

«۲۱۸۸ تا ۲۱۹۴»

۳.۵. کنش‌های گفتاری

کنش‌های گفتاری این تمثیل را می‌توان بر حسب پاره‌گفتارهای خُرد و کلان و کنشگران به صورت زیر طبقه‌بندی کرد؛
 ۱- کنش‌های گفتاری ماهی عاقل؛ ۲- کنش‌های گفتاری ماهی نیم‌عاقل؛ ۳- کنش‌های گفتاری ماهی جاهل؛ ۴-
 کنش‌های گفتاری مولانا.

۱.۳.۵. کنش‌های گفتاری ماهی عاقل؛

ماهی عاقل در این تمثیل نحوه واکنش انسان‌های عاقل را در مواجهه با مشکلات به نمایش می‌گذارد. سخنان او حاوی دو نوع کنش اظهاری و ترغیبی است. مطمئن بودن از اتخاذ تصمیم مبنی بر عدم مشورت با دیگران و بیان دلایل آن، تأیید کردن مشاور متناسب و نفی وجود مشاور نیکو از کنش‌های اظهاری او محسوب می‌شوند که در ابیات زیر قابل مشاهده می‌باشند:

گفت با این‌ها ندارم مشورت	که یقین سُستم کنند از مقدرت
مهر زاد و بود بر جانسان تند	کاهلی و جهلشان بر من زند
مشورت را زنده‌ای باید نکو	که تورا زنده کند و آن زنده کو؟

«۲۲۰۷ تا ۲۲۰۹»

لازم به ذکر است که در بیت ۲۲۰۹ عبارت «آن زنده کو؟» علی‌رغم داشتن وجه پرسشی، معنای «نفی کردن» دارد، لذا به شکل غیرمستقیم از معانی کنش‌اظهاری به حساب می‌آید.

کنش‌های ترغیبی ماهی عاقل، شامل نصیحت کردن در مورد مشورت با افراد مناسب و پرهیز از مشورت با ناهلان و همچنین نصیحت و هشدار در مورد تشخیص وطن مناسب و حرکت به سوی آن می‌باشد که در ابیات زیر آمده‌اند:

ای مسافر با مسافر رای زن	زان که پایت لنگ دارد رای زن
از دم حُبّ الوطن بگذر مایست	که وطن آن سوست جان این سوی نیست
گر وطن خواهی گذر زانسوی شط	این حدیث راست را کم خوان غلط

«۲۲۱۰ تا ۲۲۱۲»

و همچنین ابیات زیر نیز کنش ترغیبی دارند:

نیست وقت مشورت هین راه کن	چون علی تو آه اندر چاه کن
محرم آن آه کمیاب است بس	شب رو و پنهان روی کن چون عسس
سوی دریا عزم کن زین آبگیر	بحر جو و ترک این گرداب گیر

«۲۲۳۲ تا ۲۲۳۴»

تمام پاره‌گفتارهای ابیات فوق (غیر از دو مورد که توضیح آن خواهد آمد) دارای وجه امری هستند و به دلیل کاربرد ترغیبی، کنش مستقیم به‌شمار می‌آیند. عبارت‌های «نیست وقت مشورت» در بیت ۲۲۳۲ و «محرم آن آه کمیاب است بس» در بیت ۲۲۳۳ از لحاظ دستوری جمله خبری هستند لکن با توجه به جملات دیگر و بافت کلام، به طور غیرمستقیم معنای ترغیبی دارند و از مشورت کردن با دیگران بازمی‌دارند. روند کنش‌های ماهی عاقل را در جدول زیر می‌بینیم؛

جدول ۵-۱ ساختار کنش‌های گفتاری ماهی عاقل

مراحل	معانی ضمنی	نوع کنش
اول	مطمئن بودن، بیان دلیل، تأیید کردن، نفی کردن	اظهاری

۲.۳.۵. کنش‌های گفتاری ماهی نیم‌عقل؛

ترتیب و توالی کنش‌های ماهی نیم‌عقل نیز نشان می‌دهد که او ابتدا از کوتاهی کردن خود تأسف می‌خورد (کنش عاطفی). اما وقت خود را با حسرت بی‌فایده هدر نمی‌دهد؛ بلکه با کنش ترغیبی به مرحله بعد که همان طرح نقشه فرار است می‌رسد.

ابیات زیر، کنش‌های عاطفی او را در بر دارند؛

گفت: آه من فوت کردم فرصه را چون نگشتم همراه آن رهنما؟

ناگهان رفت او ولیکن چون که رفت می‌بایستم شدن در پی به تفت

«۲۲۴۲ و ۲۲۴۳»

بیت زیر نیز سخن عاطفی ماهی نیم‌عقل است که در آن، ضمن خشنودی بابت رهایی ماهی عاقل، نسبت به از

دست دادن همراهی او حسرت می‌خورد؛

کو سوی دریا شد و از غم عتیق قوت شد از من چنان نیکو رفیق

«۲۲۶۷»

ماهی نیم‌عقل می‌داند که حسرت خوردن فایده‌ای ندارد؛ لذا با کنش‌های ترغیبی، نصیحت و اقدام سریع را بر خود

ملزم می‌سازد. بیت زیر، حاوی چنین کنش‌هایی است:

بر گذشته حسرت آوردن خطاست باز ناید رفته یاد آن هباست

«۲۲۴۴»

همان‌طور که ملاحظه می‌شود در بیت فوق، سه جمله خبری وجود دارد؛ لکن قصد گوینده بازداشتن از

حسرت خوردن است؛ نه خبر دادن. به همین دلیل با کنش ترغیبی غیرمستقیم مواجهیم.

ماهی نیم‌عقل بلافاصله نقشه فرار را می‌کشد و با کنش اظهاری مستقیم به شرح و توصیف آن می‌پردازد:

لیک زان نندیشم و بر خود زنم خویشتن را این زمان مُرده کنم

پس بر آرم اشکم خود بر زبر
پشت زیر و می روم بر آب بر
می روم بر وی چنان که خس رود
نی به سبّاحی چنان که خس رود
مُرده گِردم خویش بسپارم به آب
مرگِ پیش از مرگِ امن است از عذاب

«۲۲۶۸ تا ۲۲۷۱»

آنگاه با استناد به حدیثی از پیامبر اسلام (ص) نسبت به دُرست بودن نقشه خود مطمئن می شود. مطمئن بودن / شدن

نیز کنش اظهاری است :

مرگِ پیش از مرگِ امن است ای فتی
این چنین فرمود ما را مصطفی
گفت: مُوتُوا كُلُّكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ
يَأْتِيَ الْمَوْتَ تَمُوتُوا بِالْفِتَنِ

«۲۲۷۲ و ۲۲۷۳»

ماهی نیم عاقل در پایان نیز پس از آن که صیّادان با گرفتن او و تصوّر مرده بودنش غصّه می خورند «که دریغا ماهی

بِهتر بُمرد» (بیت ۲۲۷۵)، خشنودی خود را از مؤثّر بودن نقشه اش با کنش عاطفی نشان می دهد:

شاد می شد او از آن گفت دریغ
پیش رفت این بازی ام رستم ز تیغ

«۲۲۷۶»

جدول ۲-۵ ساختار کنش های گفتاری ماهی نیم عاقل

مراحل	معانی ضمنی	نوع کنش
اول	حسرت و تأسف خوردن	عاطفی
دوم	نصیحت و الزام کردن	ترغیبی
سوم	شرح و تأیید و اثبات کردن	اظهاری
چهارم	خشنود شدن	عاطفی

۳.۳.۵. کنش های گفتاری ماهی جاهل؛

ماهی جاهل نه زیرک و عاقل است که به موقع اقدام کند و نه قدرت تشخیص کوتاهی‌ها و اشتباهات خود را دارد که در صدد جبران آن‌ها برآید؛ لذا از انواع مختلف کنش اظهاری و ترغیبی که نشانه وقوف به شرایط و محرک برای تلاش و کوشش است در او نشانی نمی‌یابیم، فقط تسلیم و ناامیدشدن (کنش عاطفی) و همچنین قول‌دادن (کنش تعهدی) در کلام او یافت می‌شود؛ مانند بیت زیر که پس از به‌دام‌افتادن و در تابه صیّادان سرخ شدن و مورد مؤاخذه عقل قرار گرفتن که: «أَلَمْ يَأْتِكْ نَذِيرٌ؟» (مگر بیم‌دهنده برایت نیامد؟) در اوج ناامیدی می‌گوید: «بله آمد».

او همی جوشید از تفّ سعیر

عقل می گفتش: أَلَمْ يَأْتِكْ نَذِيرٌ

او همی گفت از شکنجه و ز بلا

همچو جان کافران «قالوا بلی»

«۲۲۸۲ و ۲۲۸۳»

(شاهد مثال، عبارت قالوا بلی است)

کنش دیگر ماهی جاهل، تعهدی است. این کنش نتیجه طبیعی نحوه عملکرد ماهی جاهل می‌باشد؛ زیرا او همواره به علت جهل خود به دام می‌افتد؛ بعد از آن، قسم می‌خورد و تعهد می‌دهد که دیگر خطا نکند و باز این چرخه تکرار می‌شود. در پایان این تمثیل، ماهی جاهل چنین تعهد می‌دهد:

باز می گفت او که گر این بار من

وارهم زین محنت گردن شکن

من نسازم جز به دریایی وطن

آبگیری را نسازم من سکن

آب بی حد جویم و آمن شوم

تا ابد در امن و صحت می‌روم

«۲۲۸۴ تا ۲۲۸۶»

جدول ۳-۵ ساختار کنش‌های گفتاری ماهی جاهل

مراحل	معانی ضمنی	نوع کنش
اول	تسلیم شدن	عاطفی
دوم	قول‌دادن	تعهدی

۴.۳.۵. کنش‌های گفتاری مولانا؛

کنش‌های گفتاری مولانا به سه بخش تقسیم می‌شود:

بخش اول؛ شامل کنش‌هایی می‌شود که حاصل پاره‌گفتارهای خُرد مولانا هستند و به روایت داستان می‌پردازند و

لذا جزو کنش‌های اظهاری به حساب می‌آیند؛ مانند ابیات زیر؛

چند صیادی سوی آن آبگیر	بر گذشتند و بدیدند آن ضمیر
پس شتابیدند تا دام آورند	ماهیان واقف شدند و هوشمند
آن که عاقل بود عزم راه کرد	عزم راه مشکل ناخواه کرد

«۲۲۰۴ تا ۲۲۰۶»

و یا ابیات زیر که توصیف عملکرد ماهی نیم‌عاقل برای نجات خویش است؛

همچنان مُرد و شکم بالا فکند	آب می‌بُردش نشیب و گه بلند
هر یکی زان قاصدان بس غصه برد	که دریغا ماهی بهتر بُمرد
شاد می‌شد او از آن گفتِ دریغ	پیش‌رفت این بازی‌ام رستم ز تیغ
پس، گرفتش یک صیاد ارجمند	پس بر او تف کرد و بر خاکش فکند
غلط‌غلطان رفت پنهان اندر آب	ماند آن احمق همی کرد اضطراب

«۲۲۷۴ تا ۲۲۷۸»

ابیات زیر نیز تلاش بی‌حاصل و علت به‌دام افتادن ماهی جاهل را توصیف می‌کند و کنش اظهاری به حساب می‌آید؛

از چپ و از راست می‌جست آن سلیم	تا به جهد خویش برهاند گلیم
دام افکندند و اندر دام ماند	احمقی او را در آن آتش نشاند
بر سر آتش به پشت تابه‌ای	با حماقت گشت او هم خوابه‌ای

«۲۲۷۹ تا ۲۲۸۱»

چنان که ملاحظه می‌شود تمام ابیات فوق شامل پاره‌گفتارهای خُرد می‌باشند که در قالب جمله‌های خبری به منظور شرح حوادث داستان به کاررفته‌اند؛ بنابراین، کنش‌های مولانا در ابیات فوق کنش اظهاری مستقیم به حساب می‌آیند. بخش دوم؛ کلّ داستان است که به صورت یک پاره‌گفتار کلان می‌باشد و با توجه به بافت زمینه (ابیات ۲۱۸۸ تا ۲۱۹۴)، غرض مولانا از بیان آن، تأیید تقسیمات سه‌گانه انسان‌هاست؛ لذا کنش اظهاری غیرمستقیم به حساب می‌آید. بخش سوم؛ مجموعه سخنان هر ماهی را نیز می‌توان پاره‌گفتارهای کلانی به حساب آورد که مولانا با بیان آن‌ها کنش‌هایی را داشته‌است. بنابراین، ساختار پاره‌گفتارهای کلان مولانا و کنش‌های مربوط به آن‌ها را می‌توان در جدول زیر نشان داد؛

جدول ۴-۵ ساختار پاره‌گفتارهای کلان مولانا

محدوده پاره‌گفتار کلان	نوع کنش	معنای ضمنی	مستقیم / غیرمستقیم
کلّ داستان	اظهاری	تأیید کردن	غیرمستقیم
	ترغیبی	تشویق، هشدار، تحذیر	غیرمستقیم
سخنان ماهی عاقل	اظهاری	تأیید کردن	غیرمستقیم
	ترغیبی	تشویق کردن	غیرمستقیم
سخنان ماهی نیم‌عاقل	اظهاری	تأیید کردن	غیرمستقیم
	ترغیبی	هشدار دادن	غیرمستقیم
سخنان ماهی جاهل	اظهاری	تأیید کردن	غیرمستقیم
	ترغیبی	تحذیر کردن	غیرمستقیم

۶. نتیجه

۱- کلّ حکایت سه ماهی با توجه به بافت موقعیتی مربوطه، یک کنش گفتاری کلان از نوع اظهاری است که مولانا توسط آن، به شکل غیرمستقیم، موضوع تقسیم‌بندی انسان‌ها از لحاظ نسبتشان با عقل را تأیید می‌کند. علاوه بر کلّ حکایت، مجموعه سخنان هر یک از سه ماهی نیز در صورتی که از جهت اغراض مولانا در نظر گرفته شود پاره‌گفتارهای کلان با بار منظوری تأیید و تشویق و تحذیر هستند که ذیل دو کنش اظهاری و ترغیبی قرار می‌گیرند. نتیجه مذکور با توجه به تعلیمی

بودن کتاب مثنوی معنوی قابل تعمیم به سایر تمثیلات نیز می‌باشد. به عبارت دیگر، می‌توان این کتاب را یک پاره گفتار کلان دانست که مولانا با تولید آن اولاً معارف مختلف را برای مخاطب شرح می‌دهد (کنش اظهاری)، آن‌گاه وی را به وسیله باید و نبایدهای غیرمستقیم در جهت رسیدن به مراتب معرفت هدایت می‌کند (کنش ترغیبی). کنش‌های خُرد مولانا در این تمثیل از نوع اظهاری هستند که برای شرح و توصیف حوادث داستان به کاررفته‌اند.

۲- ماهی عاقل و نیم‌عاقل و جاهل، از میان کنش‌های پنج‌گانه، کنش اظهاری، عاطفی، ترغیبی و تعهدی را در سخنانشان به کار گرفته و از کنش اعلامی اصلاً استفاده نکرده‌اند. اما در پاسخ به سؤال اول این تحقیق مبنی بر میزان به کارگیری کنش‌های گفتاری توسط سه ماهی، به‌عنوان نماد طبقات سه‌گانه انسان‌ها که در بافت موقعیت قصه بیان شد، می‌توان جدول زیر را ارائه کرد؛

جدول ۶-۱ میزان کاربرد کنش‌های گفتاری پنج‌گانه توسط سه ماهی

کنش‌ها ← کنشگرها ↓	اظهاری	ترغیبی	عاطفی	تعهدی	اعلامی	جمع
						ماهی عاقل
ماهی نیم‌عاقل	۱۳	۳	۶	۰	۰	۲۲
ماهی جاهل	۰	۰	۱	۵	۰	۶

۳- پژوهش حاضر نشان داد که ساختار کنش‌های گفتاری انسان‌ها با میزان رابطه آن‌ها با عقل پیوستگی کامل دارد. به این صورت که انسان عاقل بنا به التزام دائمی به عقل در برخورد با مسائل، اولین کنشی که دارد کنش اظهاری است که از آن به منظور تبیین شرایط و تحلیل ابعاد مختلف مسأله، استفاده می‌کند. کنش بعدی او ترغیب خویش به اقدام متناسب با شرایط می‌باشد. ترتیب و نوع این دو کنش به‌همراه زمان مناسب؛ یعنی قبل از گرفتار شدن باعث نجات بی‌زحمت او می‌شود (جدول ۵-۱). انسان نیم‌عاقل به دلیل دور شدن از محوریت عقل و عاقل راهنما کنش‌های متفاوتی نسبت به فرد عاقل دارد. کنش‌های او با حسرت و تأسف در مورد ازدست‌دادن فرصت همراهی با عاقل (کنش عاطفی) شروع می‌شود اما بلافاصله با نیم‌عقلی که دارد می‌فهمد که باید به پیروی از عاقل اقدامی بکند و گرنه هلاک می‌شود؛ لذا کنش بعدی او

ترغیب خویش به الگوسازی از عاقل است (کنش ترغیبی). تبیین نحوه دنباله‌روی (کنش اظهاری) و در نهایت، خشنودی بابت نجات و رستگاری (کنش عاطفی)، ساختار کنش‌های او را شکل می‌دهند (جدول ۵-۲). کنش‌های فرد جاهل به دلیل بیگانگی از عقل و در نتیجه دچار بلا شدن، با تسلیم شدن (کنش عاطفی) آغاز می‌شود و با قول دادن (کنش تعهدی) خاتمه می‌یابد (جدول ۵-۳). بنابراین، با تطبیق بافت موقعیت و متن داستان، تأثیر التزام داشتن یا نداشتن به موازین و باید و نبایدهای عقل را در شکل‌گیری ساختار کنش‌های گفتاری طبقات سه‌گانه انسان‌ها می‌توان مشاهده کرد.

منابع

- بختیاری، ژاله (۱۳۹۰). «بررسی کنش‌های گفتاری مولوی در دفتر اول و دوم مثنوی با تأکید بر کنش‌های گفتاری عمل روایت». پایان‌نامه ارشد دانشگاه کردستان.
- پورنامداریان، تقی (۱۳۶۸). *رمز و داستانهای رمزی در ادب فارسی*. چاپ سوم. تهران: علمی و فرهنگی.
- زمانی، کریم (۱۳۹۶). *شرح جامع مثنوی معنوی*، چاپ بیست و ششم، تهران، اطلاعات.
- سجودی، فرزانه، مریم زمانی (۱۳۹۵). «بررسی نقش بافت موقعیت در شکل‌گیری معنا در نمایشنامه *من اورلاپی هستم*». فصلنامه علمی-پژوهشی زبان پژوهی. سال هشتم. شماره ۲۰. پاییز ۱۳۹۵. [DOI:10.22051/jlr.2015.1815.1829](https://doi.org/10.22051/jlr.2015.1815.1829)
- سرل، جان آر (۱۳۸۷). *افعال گفتاری*، ترجمه محمدعلی عبداللهی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۷). *صور خیال در شعر فارسی*. چاپ بیستم. تهران: آگه.
- صفری دهکردی، مهدی (۱۳۹۲). «بررسی کنش‌های گفتاری در شعر حجه مطالعه موردی آثار یدالله رؤیایی»، پایان‌نامه ارشد. دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز.
- صفوی، کوروش (۱۳۸۲). *معناشناسی کاربردی*، چاپ اول، تهران، همشهری.
- عدالت‌یار، مدیحه (۱۳۹۹). «بررسی مقایسه‌ای معانی ثانوی جملات بر مبنای دیدگاه‌های آستین و سرل و پیاده‌سازی آن بر غزلیات سعدی»، پایان‌نامه ارشد، قم.

علیزاده شبخوسلاتی، موسی (۱۳۹۲). «بررسی قصاید خاقانی با رویکرد کنش‌های گفتاری»، پایان نامه ارشد، دانشگاه خوارزمی.

فرجی، ریحانه (۱۴۰۱). «تحلیل دعاها و مناجات‌های عرفانی مثنوی معنوی بر اساس نظریه کنش‌های گفتاری سرل»، عرفان اسلامی، ش ۶۷، ۷۲ تا ۸۰. <https://www.noormags.ir/view/fa/magazine/number/134676>

کالر، جانانان (۱۳۹۹). *نظریه ادبی*، ترجمه فرزانه طاهری، چاپ ششم، تهران، مرکز.

لاینز، جان (۱۳۹۱). *درآمدی بر معنی‌شناسی زبان*، ترجمه کورش صفوی، تهران، انتشارات علمی.

مکاریک، ایرناریما (۱۳۹۸). *دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر*، ترجمه مهران مهاجر، محمدنبوی، تهران، نشر آگه.

مولوی، جلال الدین (۱۳۶۸). *مثنوی معنوی*، به همت نیکلسون، چاپ ششم، جلد دوم، انتشارات مولی.

نجاریان، حمیده (۱۳۹۵). «بررسی تطبیقی کنش‌های گفتاری شخصیت‌ها براساس نظریه سرل در پنج داستان فریدون عموزاده خلیلی و یعقوب الشارونی»، پایان‌نامه ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.

INTERNATIONAL SOURCES

Alizade shabkhuslati, M.(2014).The investigation of Khaghani Odes.Using Spech Acts Theories. Master's thesis. kharazmi university.[in persian]

Austin, J. L.(1962).*How to do things with words*.Oxford University Press.

Bakhtiari, Zh.(2012).The Study of Molavi Speech acts in the first and second volume of Masnavi –e Maanavi (with the emphasis on narrative speech acts).master's thesis.University of Kurdistan.[in persian]

Botha, J.E.(1991). *Speech Act theory and new testament exegesis*. HTS.Vol 47.no2.

Brinton, L.J.(2000).*The Structure of English, A Linguistics Interoduction*.Vol1, amesterdam.

Crystal, D.(2003).*A Dictionary of linguistics & phonetics*.onford.Blackwell.

Edalatyar, M.(2020). Comparison of the secondary meanings of sentences based on John Langshaw Austin & John Searle views and its implementation on sa'di's ghazals. master's thesis. The University of Qom..[in persian]

Faraji, R. et al.(2023).An Analysis of Theosophical Prayers and Chants in Masnavi. *ERFAN ESLAMI*, VOL19, Issue72, summer, Pages67–80 [inpersian] <https://www.noormags.ir/view/fa/magazine/number/134676>

- Kaler, J.(2021).*Literary theory*.translated by Farzaneh taheri.edition 6.tehran markaz.[in persian]
- Lyons, J.(2013). *Linguistic Semantics: An Introduction*.Translated by Kourosh Safavi. first edition.tehran: Elmi.[in persian]
- Makaryk, I.R.(2020).*Encyclopedia of contemporary literary theory*. translated by Mehran Mohajer and mohammad nabavi. tehran: Agah.[in persian]
- Maolavi, J.(1990).*Mathnavi-e Manavi*.by Nicolson. Edition 6. second volume. tehran: Maola.[in persian]
- Najjarian Khalil Abad, H.(2016) A Comparative Study of Characters' Speech Acts in Five Stories by Fereydoun Amoozadeh khalili & Yaqub Al Sharuni Based on Searle's Theory. Master's thesis. Ferdowsi University of Mashhad.[in persian]
- Purnamdarian, T.(1990).*Symbolism and Symbolic Stories in Persian Literature*. Edition3.Tehran: Elmi va Farhangi.[in persian]
- Safari Dehkordi, M.(2014) Discussion of Speech Acts in "Espacement Poetry" (The case study of Yadollah Royaii's Works).master's thesis. Islamic Azad University. Central Tehran Branch.[in persian]
- Safavi, K.(2004).*Applied Semantics*.editation1.Tehran: Hamshahri.[in persian]
- Searle, J.R.(1969).*Speech Acts: An Essay in the Philosophy of Language*.Cambridg University.
- Shafiee kadkani, M.R.(2019).*Imagery Techniques in Persian Poetry*. edition20. Tehran:Agah.[in persian]
- Sojoodi, F & Zamani, M. (2016).The role of context on meaning's shaping of the I'm Urlappi movie. *ZABANPAZHUHI(Journal of Language Reserch)*VOL8 Issue 20. pp 53- 68.[in persian] [DOI:10.22051/jlr.2015.1815.1829](https://doi.org/10.22051/jlr.2015.1815.1829)
- Zamani, K.(2018). *A comprehensive description of the Mathnavi –e Ma'navi* .edition 26.Tehran: ettelaat.[in persian]

Function of the Speech acts in an allegory from Mathnavi-e Ma'navi*

Hamid Kamali moqadam¹

Jalil Moshayedi²

Hasan Haidary³

Received: 2024/2/29

Accepted:2024/4/23

1. Introduction

A speech act is basically an action that is realized by uttering a statement. From the point of view of this theory, the unit of linguistic communication is not the pronunciation of words and sentences; Rather, the pronunciation of these linguistic units is only part of the communication and its complete form is realized in the "Utterance". A utterance can be the size of a word, a sentence and even a book, because in any case, it has one of the purposes of persuasion, news, announcement, etc. and includes three types of work or three types. It is a verb that is performed simultaneously by the speaker; These three types of actions are: utteranc act, propositional act, and Illocutionary act. For example, when we say to someone: close the window, first we have a sentence that includes several meaningful words; Secondly, by pronouncing this sentence, we have raised a case about the window, and thirdly, we have done an action that is not obvious in the pronunciation and case of the said sentence; Rather, it was done implicitly and not explicitly. Looking at actions, instead of just paying attention to the meaning of words and phrases, tries to reach the implicit action of parts of speech. The way to reach this verb theme in the speech and in fact the way to reach the main purpose and goal that the speaker has from his speech is to pay attention to the situational context of the speech; Because a single word has different purposes in different situations. The main problem of this article is to find out how the speech acts worked in one of the most famous illustrations of the Mathnavi-e Maanavi; That is, "the story of that reservoir and the fishermen and those three fish".

2. Materials and Methods

This research has investigated one of the allegories of Masnavi al-Manavi book through descriptive-analytical method and library study in such a way that first the sentences in the verses of the story were separated into three groups of words of wise fish, semi-wise fish and ignorant fish from the perspective of the actor. ; Then, according to the context of the situation formed by Rumi in the previous verses, the meanings intended by the speakers of the speeches were determined, then the relationship between the apparent meanings of the sentences and their implicit meanings, which determine the direct and indirect actions, was taken into account, and a description of how and the structure of the performance of fish was presented as a symbol of the three classes of humans, and finally, the structure of Rumi's macro actions determind.

3. Results and Discussion

According to the context of the relevant situation, whole of this story is a macro speech act of the representative type, by which Maolavi indirectly confirms the issue of the division of human beings in terms of their relationship with intellect. In addition to the whole story, collection of

¹ Ph.D student of language and persian literature, Faculty of literature and foreign languages, arak university, arak, iran; hkamalimoqadam@gmail.com.

² Professor of language and persian literature, faculty of literature and foreign languages, arak university, arak, iran; j-moshayedi@araku.ac.ir; (corresponding author).

³ Professor of language and persian literature, faculty of literature and foreign languages, arak university, arak, iran; h-haidary@araku.ac.ir

three fish speeches, if considered for the purposes of Maolavi, there are parts of large speeches with the purpose of approval, encouragement, and warning, which fall under the two actions of representative and directive. The mentioned result can be extended to other allegories due to the educational nature of Mathnavi Maanavi book. In other words, this book can be considered as a macro utterance, which Maolavi first explains different knowledge to the audience by producing it,(representative act), then guides him to reach the level of knowledge(directive act).

Maolavi's micro utterances in this allegory are representative to explain and describe the events of the story.

Tables:

(Table 1 Maolavi's macro utterances)

MACRO UTTERANCES	TYPE OF ACT	ILLOCUTIONARY FORCE	DIRECT/INDIRECT
WHOLE OF STORY	Representative	To confirm	Indirect
	Directive	Encouragement, Warning	Indirect
SPEECH OF WISE FISH	Representative	To confirm	Indirect
	Directive	Encouragement	Indirect
SPEECH OF HALF WISE FISH	Representative	To confirm	Indirect
	Directive	Warning	Indirect
SPEECH OF IGNORANT FISH	Representative	To confirm	Indirect
	Directive	Warning	Indirect

(Table 2 number of fish's speech acts)

ACTS ACTURS	REPRESENTATIVE	DIRECTIVE	EXPRESSIVE	CUMMISSIVE	DECLARATIVE
WISE FISH	7	17	0	0	0
HALF WISE FISH	13	3	6	0	0
IGNORANT FISH	0	0	1	5	0

4. Conclusion

The present study showed that the structure of human speech acts is completely connected with the degree of their relationship with Intellect. In such a way that a wise person, due to his constant commitment to reason, in dealing with problems, his first action is the representative act, which is used to explain the conditions and analyze the different aspects of the problem. His next action Persuasion to act is appropriate to the conditions. The order and type of these two actions together with the right time, before getting caught, will help him save effortlessly. A half-wise person, due to moving away from the centrality of intellect and a wise guide, has different actions compared to a wise person. His actions start with regret about losing the opportunity to be with a wise person(expressive act), but immediately with the half-reason he has, he understands that he must act according to the wise man, otherwise he will perish, so his next action is to encourage himself to follow the example of the wise man, (directive act). Explaining how to follow (representative act) and ultimately the satisfaction of salvation and redemption (expressive act), form the structure of his actions, the actions of an ignorant person due to his alienation from intellect and as a result suffering, begin with the surrender(expressive act) and with the promise(commisive act) is terminated. Therefore, by matching the context of the situation and the text of the story, the effect of intellect can be seen in the formation of the structure of speech acts in the three classes of humans.

Keywords: Allegory, Intellect, Mathnavi maanavi, Speech Acts, Macro and Micro Utterance